

مصاحبه با شکسته‌بند دیروز، حاج محمد صالحی

مصاحبه کننده: عبدالحسین اسماعیل شب

تهران ۱۳۸۹/۷/۱

ساکن تهران، بازنشسته ایران خودرو (ایران ناسیونال)

پیرمرد ۸۵ ساله، اهل خدابنده زنجان،

کار اصلی یک شکسته‌بند چیست؟ در واقع یک شکسته‌بند چه کار می‌کند؟

کار اصلی یک شکسته‌بند این است که بتواند با معاینه (با دست زدن و لمس کردن محل شکستگی) بتواند تشخیص بدهد که محل استخوان شکسته، دررفته، رگ‌به‌رگ شده یا ترک برداشته است. این کار بسیار مهم است. زیرا با این تشخیص که شکسته‌بند باید کار خود را انجام دهد. اگر تشخیص شکسته‌بند درست نباشد می‌تواند نتیجه بدی داشته باشد.

چند سال است که شکسته‌بندی می‌کنید؟

من ۸۵ سال دارم. این کار (شکسته‌بندی) را از ۱۸ سالگی شروع کرده‌ام. بیشتر از ۶۵ سال است که شکسته‌بندی می‌کنم.

شما این کار را از چه کسی یاد گرفتید؟

پدر من شکسته‌بند ماهری بود. در خدابنده همه او را می‌شناختند. آن زمان یادم می‌آید که همیشه کسانی را به خانه ما می‌آوردند و یا دنبال پدرم می‌آمدند و او را برای شکسته‌بندی می‌بردند. پدرم خدایبامرز این کار را مثل یک چیز مقدس می‌دانست. خیلی برای این کار ارزش می‌گذاشت. همیشه با روی باز این کار را انجام می‌داد هیچ وقت از کسی دستمزد نمی‌گرفت. مرغ، خروس و گوسفند (هدیه غیرنقدی) هم نمی‌گرفت. وقتی که من این کار را زیر نظر او شروع کردم به من سفارش کرد که مبادا از کسی بابت این کار پول و دستمزد بگیرم...

بچه که بودم موقع کار پدرم را تماشا می‌کردم. او که علاقه مرا به این کار می‌دید بعضی مواقع مرا همراه خودش می‌برد - حتماً برای اینکه بیشتر ببینم و یاد بگیرم. گاهی حدود شانزده هفده سالگی دستم

را می‌گرفت تا محل شکستگی را لمس کنم و تجربه پیدا کنم. پس از مدتی به من می‌گفت خودت ببین و خودش بعد از من کار می‌کرد. تا اینکه در هیجده‌سالگی کار را به من سپرد. وقتی کسی به سراغش می‌آمد مرا می‌فرستاد. در خانه هم موقع مراجعه مریض، من کار را انجام می‌دادم. البته خودش هم گاهی کار را راست و ریس می‌کرد.

جای شکستگی یا دررفتگی را چگونه تشخیص می‌دهید؟

با یک عمر تجربه (لبخند می‌زند) (ادامه می‌دهد) باید انگشت شست را روی محل درد بگذاری و لمس کنی. با این کار باید بفهمی که شکسته یا دررفته. هر کدام علامت و نشانه‌ای دارد که با تجربه به دست می‌آید. گفتنی نیست. یا من نمی‌توانم. بعد از تشخیص اگر استخوان در رفته باشد، جا می‌اندازند و اگر شکسته باشد سر جایش قرار می‌دهند.

بعد از آن محل شکسته را می‌بندند؟

نه همیشه. یعنی لازم نیست که ببندند. بستگی به نوع شکستگی و جای آن دارد. البته گاهی می‌بندند.

آیا شکسته‌بندی ابزار و وسیله خاصی دارد؟

ابزار و وسیله آن چنانی ندارد. در قدیم بعد از جا انداختن استخوان پوست بزغاله جوان را کنده، گرم گرم روی آن می‌بستند.

شما هم این کار را می‌کردید؟

بله

الان هم این کار را می‌کنید؟

نه! الان زندگی عوض شده. آن زمان‌ها مخصوصاً در شهرستان‌ها و در خود تهران هم گوسفند و بز در هر محله و قصابی پیدا می‌شد. اما الان پیدا نمی‌شود. خیلی هم گران است. گاه در شکستگی، تخته‌های کوچکی را دور محل شکسته می‌گذارند و با نوارهای پارچه‌ای می‌بندند.

من چندبار علف (؟) (هر چه فکر می‌کند یادش نمی‌آید) را با عسل مخلوط کرده روی محل ترک خورده بسته‌ام. بسیار اثربخش است.

تهیه این ترکیب روش خاصی دارد؟

نه. روش خاصی ندارد. هر کسی می‌تواند. آن را چند روز روی زخم می‌بندیم. آن قدر سفت می‌شود که اگر دستمال را هم باز کنی، جدا نمی‌شود. اگر حمام هم بروند باز نمی‌شود. پس از چند روز که معمولاً استخوان در آن مدت جوش می‌خورد، کم‌کم کنده می‌شود و می‌افتد.

آیا الان هم بیمارانی به شما مراجعه می‌کنند؟

بله می‌آیند. دیروز صبح (۸۹/۶/۳۱) مردی پیشم آمد که شب قبل هم مراجعه کرده بود، گفت لگن مادرش دررفته یا شکسته است خیلی درد دارد و نمی‌تواند حرکت کند. رفتم. پیروزی بود. زمین گیر شده بود. مفصل لگنش دررفته بود. جا انداختم. نیم‌ساعتی نشستیم. دردش آرام شد. دیدم می‌تواند حرکت کند. برگشتم.

چرا شب قبلش نرفتید؟ نگفتند شکسته است؟

لبخند می‌زند: گفتند اما واقعیت این است دیگر برایم سخت است. پیر شده‌ام. موقع جا انداختن هم از آنها کمک خواستم.

آیا کسانی بوده‌اند که به پزشک مراجعه کرده، نتیجه نگرفته بعداً پیش شما آمده‌اند؟

بله! (سیگارش را روشن می‌کند) یک نفر بود که مدت طولانی یکی از پاهایش را از نوک پا تا روی شکمش گچ گرفته بودند. بعد از باز کردن زانویش خم نمی‌شد. چند دکتر رفته بود. اما نمی‌توانست زانویش را خم کند و حرکت بدهد. یکی از همراهانش را فرستادم که از کشتارگاه تهران (همین میدان جوادیه، بهمن) زیر دنبه گوسفند قسمتی هست که به درد این کار می‌خورد. دو تا از آنها خرید. به زانویش مالیدم و گفتم هر روز این کار را بکنید. چند روز بعد کم‌کم زانوی خود را خم می‌کرد و موقع تمام شدن آنها توانست راه برود. آن موقع جوان چهل و چند ساله بود امروز شصت سالش می‌شود.

کسی برای یادگیری این فن پیش شما می‌آید؟

نه! (آه می‌کشد) بعضی‌ها می‌گویند این‌ها خرافات است. البته همه این طور فکر نمی‌کنند. من تا حالا کسی را ندیده‌ام که علاقه‌مند باشد تا این کار را یاد بگیرد و از من بخواهد که به او یاد بدهم.

خودتان نخواستید این کار را بکنید. یعنی خودتان پیش‌قدم بشوید؟

حقیقتش این است که هیچ‌کس نخواست است. اگر نه من که بدم نمی‌آید، کاری را که دوست دارم و از پدرم یاد گرفته‌ام به کسی یاد بدهم. از خدا می‌خواهم.

پسران شما هم نخواستند؟

(پوزخندی می‌زند که انگار آنها کسر شأنشان می‌شود که پدرشان شکسته‌بند است): آنها هم هیچ‌وقت نخواستند. اگر آنها یاد می‌گرفتند این شکسته‌بندی در خانواده من موروثی می‌شد. اما نشد و بعد از من قطع می‌شود. از آشنایان و فامیل هم کسی نمی‌خواهد شاید به این دلیل که می‌ترسند خطایی بکنند و برای آنها مسئولیتی (عواقبی) داشته باشد و حساب پس بدهند.

خاطره‌ای از کار خودتان تعریف کنید.

کمی فکر می‌کند و لبخند می‌زند: چیزی یادم نمی‌آید.

آیا از کار خودتان راضی هستید؟

انسان اگر بتواند دردی از مردم دوا کند. این بهترین کار است. بدترین درد، درد استخوان است. شکستن استخوان. من هیچ وقت. حتی یکبار هم برای این کار از کسی پول نگرفته‌ام. امیدوارم اگر در زندگی گناه و اشتباهی داشته‌ام به خاطر این کار بخشیده بشوم. این وصیت پدرم بود که گفت من هیچ وقت پول نگرفته‌ام و راضی نیستم از چیزی که به تو یاد می‌دهم پول بگیری.



شکسته‌بندی سنتی در استان یزد

محمدرضا جانب‌اللهی فیروزآبادی،

کارشناس بهداشت عمومی، کارمند مرکز بهداشت شهرستان میبد

استان یزد با مساحت ۱۳۱۵۷۵ کیلومتر مربع در قسمت مرکزی فلات ایران در حاشیه دشت‌های کویر لوت و بین عرض‌های جغرافیایی ۲۹ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۲۷ دقیقه شمالی و طول‌های جغرافیایی ۵۲ درجه و ۵۵ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۳۷ دقیقه شرقی واقع شده و به عنوان چهارمین استان وسیع کشور پس از استانهای خراسان، سیستان و بلوچستان و کرمان شناخته می‌شود. این استان شامل شهرستان‌های یزد، ابرکوه، اردکان، بافق، تفت، خاتم، صدوق، طبس، مهریز و میبد است و در در فاصله ۶۷۷ کیلومتری جنوب شرق تهران قرار دارد. جمعیت استان یزد بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد ۹۸۳۰۵۲ نفر است که از این تعداد، ۷۸۵۲۱۳ نفر را جمعیت شهری و ۱۹۷۸۳۹ نفر را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد.

طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، طب سنتی واژه‌ای کلی است که هم به سیستم‌های طب سنتی مانند طب سنتی چین، آیورودای هند و طب یونانی - عربی و هم به اشکال مختلف طب بومی اطلاق می‌شود. درمان‌های طب سنتی شامل دارو درمانی (استفاده از گیاهان دارویی، اجزای حیوانی و معدنی) و روش‌های غیر دارویی (مانند طب سوزنی، ماساژ و درمان‌های روحی و روانی) است. امروزه به جای طب سنتی اغلب از واژه‌های طب مکمل، طب جایگزین یا طب غیر متعارف نیز استفاده می‌شود.

شکسته‌بندی سنتی در اصل، مداوای ناراحتی‌های استخوانی و مفاصل، مثل شکستگی استخوان دررفتگی مفاصل همچنین صدمات وارده به عضلات و رباطها با بهره‌گیری از تجربیات افراد است و شکسته‌بند، فردی است که تجربی محل شکستگی یا دررفتگی اعضا را تشخیص داده و با استفاده از وسایل و داروهای لازم، به درمان فرد مصدوم، اقدام کند.

در فرهنگ دهخدا آمده است شکسته‌بند کسی است که استخوان‌های شکسته را می‌بندد و پیوندهای دررفته را جبیره می‌کند.

شکسته‌بندی، قدمتی به درازای تاریخ دارد و طبق مدارک و شواهد موجود، سابقه آن به پیش از تاریخ می‌رسد در ایران نیز شکسته‌بندی به شیوه سنتی، سابقه چند هزارساله دارد و قدمت آن در مناطق

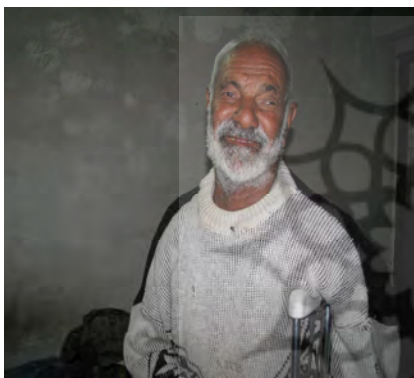
مختلف، متفاوت است طوری که در بعضی از منابع، قدیمی‌ترین منطقه در ایران که شکسته‌بندی سنتی در آنجا رایج بوده را کرمانشاه و مناطق کردنشین غرب کشور ذکر کرده‌اند.

استان یزد نیز به لحاظ بافت فرهنگی و موقعیت جغرافیایی، سابقه طولانی در درمان دررفتگی مفاصل و شکستگی استخوان به شکل سنتی داشته و هنوز هم در برخی مناطق استان، این شیوه درمانی، رایج است. شکسته‌بند، عصابند، جا انداز و ... از جمله اصطلاحاتی است که در معرفی درمانگران سنتی و محلی، به کار می‌رود. شواهد و قرائن حاکی از این است که شکسته‌بندان محلی با استفاده از ابزار و آلات ساده و البته با تبحر و تجربه خاصی که از گذشتگان خود کسب کرده‌اند اقدام به درمان دررفتگی و شکستگی استخوان می‌کردند. معمول‌ترین ابزاری که در این خصوص، به کار می‌گرفته‌اند عبارت‌اند از: میخ‌آزار (دال‌آزار، دال‌زرد)، نی، چوب، تخته، پوست درخت بادام، زرده تخم‌مرغ، آرد گندم و پارچه نخی آب‌نדיده بوده‌اند.

مجموعه مصاحبه‌های ذیل، با هدف حفظ و حراست از سوابق درمان سنتی شکسته‌بندی در استان یزد، انجام شده است.



شهرستان اردکان: دی ماه ۱۳۸۹



نام شما؟

حسن احمدی.

ساکن کجا هستی؟

روستای چاه افضل از توابع شهرستان اردکان.

بیشتر در محل به چه نامی شما را می‌شناسند؟

حسن عصا بند.

میزان تحصیلات؟

بی‌سواد.

چند سال داری؟

۸۳

از چه سالی شروع کردی؟

۴۰ سال پیش.

نزد چه کسانی یاد گرفتی؟

پدر خانم سید احمد طباطبایی.

اولین باری که به تنهایی کار کردی؟

یادم نیست.

از نتیجه کار خودت راضی هستی؟

بله.

از چه وسایلی استفاده می کردی؟
سفیده تخم مرغ، آرد گندم، پارچه آبندیده و تخته.

وسایل را چگونه تهیه می کردی؟
از خودم تهیه می کردم.

آیا بعد از کار، محل را می بستی؟
بله.

با چه چیزی می بستی؟
با پارچه‌ای که ضما د روی آن بود.

آیا ضما د را خودتان تهیه می کردی؟
بله.

آیا لازم بود فرد غذای به خصوصی بخورد؟
نه.

شما به آنها توصیه‌ای هم می کردی؟
تا چند روز محل صدمه را تکان ندهند تا استخوان، خوب جوش بخورد.

پارچه‌ای که به ضما د آغشته بود نام خاصی داشت؟
بله به آن می گفتند تله.

مهم ترین کار شکسته بند چیست؟
اینکه بدانند هر مفصلی چگونه باید در سر جای خودش قرار گیرد.

مهم ترین وظیفه شکسته بند در حین کار چیست؟
ثابت نگه داشتن استخوان.

آیا کار را به دیگری یاد داده‌ای؟
نه.

آیا برای کارتان پولی می گرفته‌ای؟
بله.

آیا خودتان مبلغ را تعیین می کرده‌ای؟
نه هرچه به من می‌دادند می‌گرفتم.

برای چه منظور این کار می‌کردی؟
بیشتر برای راه انداختن کار مردم.

تاکنون کجاها را جا انداخته‌ای؟
کتف، گردن، لگن، مچ دست و دست و پای گوسفند.

معمولاً چه نوع صدماتی را درمان می‌کرده‌ای؟
شکستگی و دررفتگی.

آیا هنوز هم دررفتگی و شکسته‌بندی را درمان می‌کنی؟
تا ۸ - ۷ سال پیش انجام می‌دادم.

آیا شکستگی‌هایی که استخوان‌ها از همدیگر جدا شده بود را هم درمان می‌کردی؟
بله.

معمولاً چند روز باید روی محل بسته باشد؟
۱۲ - ۱۰ روز.

بچه با بزرگ فرق می‌کند؟
بله بچه زودتر خوب می‌شود.

از کار خود خاطره‌ای داری؟

یک دفعه مچ دست یک بنده خدا در رفته بود جا انداختم. بعد یکی او را دیده بود سوال کرده بود که کی دستت را جا انداخته؟ گفته بود حسن عصابند. گفته بود چه فکر کردی دست دادی دست این بنده خدای بی‌سواد؟ بعد از یک هفته دستش خوب شد.

شهرستان میبد: بهمن ماه ۱۳۸۹



نام شما؟
رضا کریمی.

ساکن کجا هستی؟
روستای اشنیز بالا از توابع شهرستان میبد.

بیشتر در محل به چه نامی شما را می‌شناسند؟
همین رضا کریمی.

میزان تحصیلات
بی‌سواد.

چند سال داری؟
۷۰ سال.

از چه سالی شروع کردی؟
۳۵ سال پیش.

نزد چه کسی یاد گرفتی؟
خدابخش مندگاری (زردشتی).

اولین باری که به تنهایی کار کردی؟
۳۲ سال پیش.

از نتیجه کار خودت راضی هستی؟
بله.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از چه وسایلی استفاده می کردی؟
زرده تخم مرغ بومی، میخ آزار، زردچوبه، پارچه آبندیده و پوست درخت سنجد.

وسایل را چگونه تهیه می کردی؟
خودم تهیه می کردم.

بعد از کار محل را می بستی؟
بله.

با چه چیزی می بستی؟
با پارچه‌ای که ضماد روی آن بود.

ضماد را خودتان تهیه می کردی؟
بله.

لازم بود فرد غذای به خصوصی بخورد؟
نه.

شما به آنها توصیه‌ای می کردی؟
تا زمانی که تله از پوست جدا نشده محل صدمه‌دیده را تکان ندهند.

تله چیست؟
پارچه‌ای که به ضماد آغشته شده و روی محل دررفتگی یا شکستگی می‌بندند به تله معروف است.

مهم‌ترین کار شکسته‌بند چیست؟
ماساژ محل دررفتگی با آب گرم.

مهم‌ترین وظیفه شکسته‌بند در حین کار چیست؟
ثابت نگه داشتن محل.

آیا کار را به دیگری یاد داده‌ای؟
نه.

آیا برای کارتان پولی می‌گرفته‌ای؟
خیر.

برای چه منظور این کار می‌کردی؟

برای راه انداختن کار مردم.

تا کنون کجایی جا انداخته‌ای؟

کتف، پا، انگشت دست و پا، مچ دست و پا و دست و پای گوسفند.

معمولاً چه نوع صدماتی را درمان می‌کرده‌ای؟

شکستگی و دررفتگی.

شکستگی‌هایی که استخوان‌ها از همدیگر جدا شده بود را هم درمان می‌کردی؟
بله.

چند روز باید روی محل بسته باشد؟

تا زمانی‌که تله از محل پوست جدا شود.

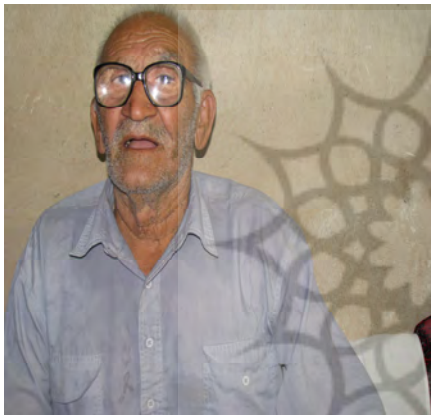
آیا بچه با بزرگ فرق می‌کند؟

بله بچه زودتر خوب می‌شود و گوسفند در فصل جوشش گیاه زودتر خوب می‌شود.

آیا خاطره‌ای داری؟

چند سال پیش ضربه‌ای به زانوی خودم خورد و مفصل زانو از جای خودش آمد بیرون مرا به نزد یک اورتوید بردند گفت باید عمل جراحی شود. آن را عمل کرد و تا ران پایم گچ گرفت. بعد از نزدیک ۳ ماه، گچ را برید و ۲۰ جلسه فیزیوتراپی برایم نوشت اما علیرغم جراحی و فیزیوتراپی احساس کردم زانویم جا نیافتاده و اذیت می‌شدم. نزد یک اورتوید دیگر رفتیم. پزشک گفت: حالا که زانویت خراب کردند نزد من آمده‌ای باید دوباره زانویت عمل شود. ناراحت شدم وقتی به خانه آمدم به خانم گفتم یک ظرف آب گرم را بیاور توکل به خدا کردم و خوب زانویم را با آب گرم، ماساژ دادم و بعد خودم آن را جا انداختم و تا چند روز با روغن گوسفند، آن را چرب کردم و همین‌طور که می‌بینید الان مشکلی ندارم و با همین زانو، کوهپیمایی هم می‌کنم.

شهرستان صدوق: اسفند ماه ۱۳۸۸



نام شما؟

حاجی رمضان مزیدی.

ساکن کجا هستی؟

روستای شریف آباد از توابع شهرستان صدوق.

بیشتر در محل به چه نامی شما را می‌شناسند؟

استاد رمضان شکسته‌بند.

میزان تحصیلات

بی‌سواد.

چند سال داری؟

۷۸

از چه سالی شروع کردید؟

۴۸ سال پیش.

چگونه یاد گرفتی؟

چوپان بودم و از طریق جا انداختن دست و پای گوسفند.

اولین باری که به تنهایی استخوان شکسته یا در رفته انسان کار کردی؟

۴۰ سال پیش دست خانم خودم که از داربست انگور سقوط کرده بود و در رفته بود را جا انداختم.

از نتیجه کار خودت راضی هستی؟

بله.

از چه وسایلی استفاده می کردی؟
زرده تخم مرغ بومی، میخ آزار، نبات، کمی آرد گندم، پارچه کرباس آب ندیده، مقوا، تخته.

به چه منظور از نبات استفاده می کردی؟
برای اینکه حالت چسبندگی ضماذ بیشتر شود و خوب بچسبد.

وسایل را چگونه تهیه می کردی؟
خودم تهیه می کردم.

بعد از کار محل را می بستی؟
بله.

با چه چیزی می بستی؟
با پارچه ای که ضماذ روی آن بود.

ضماذ را خودتان تهیه می کردی؟
بله.

این ضماذ نام دیگری هم داشت؟
به آن تله هم می گفتند.

لازم بود فرد غذای به خصوصی بخورد؟
بله غذای باد دار و سردی مزاج نخورند. نخود آب (آبگوشت ساده) بخورند.

آیا شما به آنها توصیه ای می کردی؟
تا زمانی که تله از پوست جدا نشده محل صدمه دیده را تکان ندهند.

مهم ترین کار شکسته بند چیست؟
ماساژ محل در رفتگی با آب گرم.

مهم ترین وظیفه شکسته بند در حین کار چیست؟
ثابت نگه داشتن محل.

کار را به دیگری یاد داده ای؟
نه کسی خودش نخواست یاد بگیرد.

برای کارتان پولی می گرفته‌ای؟
خیر تا کنون یک ریال بابت کارم پول از کسی نگرفتم.

برای چه منظور این کار می کردی؟
برای راه انداختن کار مردم.

تا کنون کجایی جا انداخته‌ای؟
کتف، پا، انگشت دست و پا، مچ دست، دست و پای گوسفند.

معمولاً چه نوع صدماتی را درمان می کرده‌ای؟
شکستگی و دررفتگی.

آیا هنوز هم دررفتگی و شکسته‌بندی درمان می کنی؟
فقط دررفتگی.

آیا هنوز هم از همان وسایل قدیم، استفاده می کنید؟
نه حالا بعد از جا انداختن استخوان در رفته، روی آن را با مشمع طبی که داروخانه‌ها می فروشند، می بندم.

شکستگی‌هایی که استخوان‌ها از همدیگر جدا شده بود را هم درمان می کردی؟
خیلی کم.

چند روز باید روی محل بسته باشد؟
۱۵-۱۰.

بچه با بزرگ فرق می کند؟
بله بچه زودتر خوب می شود.

آیا خاطره‌ای داری؟

یک دفعه یک پیرمردی مچ پایش در رفته بود. آوردنش نزد من من خیلی روی آن کردم و آن را جا انداختم و بعد به پسرش گفتم: پای پدرت جا رفت اما اگر شک داری می‌خواهی بیرش بیمارستان، فردا صبح پسرش گفت: پدرم خوب شد.
پس از گذشت کمتر از ۴ ماه از این مصاحبه، حاجی رمضان مزیدی بر اثر سکنه مغزی دار فانی را وداع گفت.

شهرستان میبد، مرداد ماه ۱۳۸۹



نام شما؟

حاجی عباسعلی غفوری.

ساکن کجا هستی؟

بارجین از توابع شهرستان میبد.

بیشتر در محل به چه نامی شما را می‌شناسند؟

حاجی عباسعلی جا انداز.

میزان تحصیلات

ابتدایی.

چند سال داری؟

۶۵

از چه سالی شروع کردی؟

۴۸ سال پیش.

چگونه یاد گرفتی؟

از پدرم حاجی محمدعلی غفوری و او نیز از پدرش.

اولین باری که به تنهایی کار کردی؟

۴۵ سال پیش.

از نتیجه کارتان راضی هستی؟

بله.

از چه وسایلی استفاده می کردی؟
زرده تخم مرغ بومی، میخ آزار، پارچه نخی، نی و نخ.

وسایل را چگونه تهیه می کردی؟
خودم تهیه می کردم.

بعد از کار محل را می بستی؟
بله.

با چه چیزی می بستی؟
با پارچه ای که ضما د روی آن بود.

ضما د را خودتان تهیه می کردی؟
بله.

لازم بود فرد غذای به خصوصی بخورد؟
غذای باد دار و سردی مزاج نخوردند.

مهم ترین کار شکسته بند چیست؟
ماساژ محل در رفتگی با آب گرم.

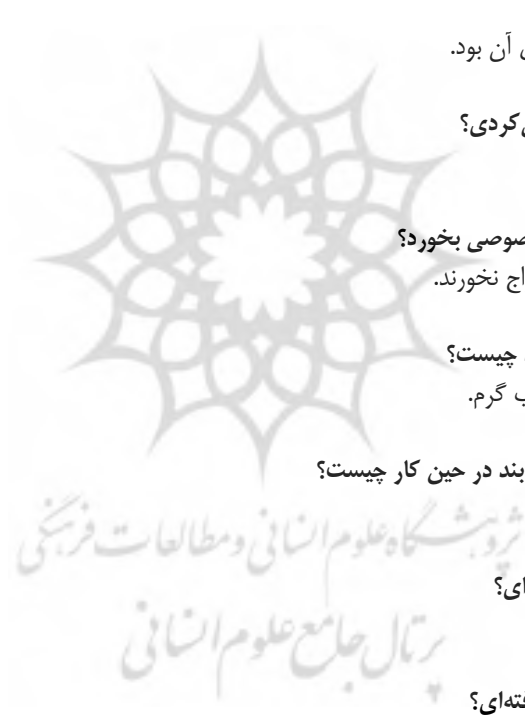
مهم ترین وظیفه شکسته بند در حین کار چیست؟
ثابت نگه داشتن محل.

کار را به دیگری یاد داده ای؟
نه.

برای کارتان پولی می گرفته ای؟
خیر.

برای چه منظور این کار می کردی؟
برای راه انداختن کار مردم.

تا کنون کجاها را جا انداخته ای؟
مچ دست و پا.



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

معمولاً چه نوع صدماتی را درمان می‌کرده‌ای؟
فقط دررفتگی.

هنوز هم دررفتگی را درمان می‌کنی؟
خیلی کم.

بعد از خوب شدن محل دررفتگی، به بیمار، توصیه‌ای می‌کردی؟
آب گوشت یا روغن گوسفند روی محل بمالد.

چند روز باید روی محل بسته باشد؟
۳ تا ۷ روز.



شهرستان مهریز، بهمن ماه ۱۳۸۹



نام شما؟

میرزا محمد ابریشمی.

ساکن کجا هستی؟

شهرستان مهریز.

بیشتر در محل به چه نامی شما را می‌شناسند؟

میرزا محمد جا انداز.

میزان تحصیلات

بی‌سواد.

چند سال داری؟

۸۳

از چه سالی شروع کردی؟

۶۳ سال پیش.

چگونه یاد گرفتی؟

از همسایه‌ام، اما بیشتر خواب می‌بینم.

چه خوابی می‌بینی؟

خواب می‌بینم فردی به من نحوه جا انداختن استخوان را یاد می‌دهد.

اولین باری که به تنهایی کار کردی کی بود؟

۵۰ سال.

آیا هنوز هم در رفتگی و شکسته‌بندی درمان می‌کنی؟
بله.

از نتیجه کارتان راضی هستی؟
بله.

از چه وسایلی استفاده می‌کردی؟
زرده تخم‌مرغ بومی، میخ آزار، آرد گندم پارچه نخی.

وسایل را چگونه تهیه می‌کنی؟
خودم تهیه می‌کردم.

بعد از کار محل را می‌بندی؟
بله.

با چه چیزی می‌بندی؟
با پارچه‌ای که ضماد روی آن بود.

ضماد را خودتان تهیه می‌کنی؟
بله.

لازم است فرد، غذای به خصوصی بخورد؟
خیر.

شما به آنها توصیه غذایی می‌کنی؟
خیر.

مهم‌ترین کار شکسته‌بند چیست؟
ماساژ محل در رفتگی با آب گرم.

مهم‌ترین وظیفه شکسته‌بند در حین کار چیست؟
ثابت نگه داشتن محل.

کار را به دیگری یاد داده‌ای؟
نه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

برای کارتان پولی می‌گیری؟
بله اما مبلغ آن تعیین نمی‌کنم.

برای چه منظور این کار می‌کنی؟
برای راه انداختن کار مردم.

تا کنون کجاها را جا انداخته‌ای؟
کتف، پا، انگشت دست و پا، مچ دست، سینه.

معمولاً چه نوع صدماتی را درمان می‌کرده‌ای؟
شکستگی و دررفتگی.

شکستگی‌هایی که استخوان‌ها از همدیگر جدا شده بود را هم درمان می‌کنی؟
حالا نه.

چند روز باید روی محل بسته باشد؟
۳ تا ۷ روز.

آیا بچه با بزرگ فرق می‌کند؟
بله بچه زودتر خوب می‌شود.

آیا غیر شکسته‌بندی تجربه کاری دیگر داری؟
نظر مردم هم می‌گیرم.

بهترین خاطره از این کار چیست؟
اینکه تا حالا شَغَرِ (لگن) چند نفر را جا انداخته‌ام.



شهرستان میبد، تیر ماه ۱۳۸۹



نام شما؟

فاطمه جواهری.

ساکن کجا هستی؟

روستای حسن آباد از توابع شهرستان میبد.

بیشتر در محل به چه نامی شما را می شناسند؟

فاطمه جانداز.

میزان تحصیلات

سواد قرآنی.

چند سال داری؟

۸۰

از چه سالی شروع کردی؟

۵۵ سال پیش.

چگونه یاد گرفتی؟

خواب دیدم.

چه خوابی دیدی؟

خواب دکتر پزشکی که یکی از پزشکان قدیمی اردکان هست دیدم که انگشت کسی را که در رفته بود به من یاد می داد که چگونه جابیندازم

اولین باری که به تنهایی کار کردی؟
۵۰ سال.

آیا هنوز هم دررفتگی و شکسته‌بندی درمان می‌کنی؟
بله اما بیشتر دررفتگی.

از نتیجه کار خودت راضی هستی؟
بله.

از چه وسایلی استفاده می‌کنی؟
زرده تخم‌مرغ بومی، میخ آزار، پارچه نخی.

وسایل را چگونه تهیه می‌کنی؟
خودم تهیه می‌کنم.

بعد از کار محل را می‌بندی؟
بله.

با چه چیزی می‌بندید؟
با پارچه‌ای که ضمد روی آن است.

ضمد را خودت تهیه می‌کنی؟
بله.

لازم است فرد غذای به خصوصی بخورد؟
نه.

شما به آنها توصیه غذایی می‌کنی؟
خیر.

مهم‌ترین کار شکسته‌بند چیست؟
ماساژ محل دررفتگی با آب گرم.

مهم‌ترین وظیفه شکسته‌بند در حین کار چیست؟
ثابت نگه داشتن محل.



کار را به دیگری یاد داده‌ای؟
نه.

برای کارتان پولی می‌گیرید؟
بله اما مبلغ آن تعیین نمی‌کنم.

برای چه منظور این کار می‌کنی؟
برای رضای خداوند.

تا کنون کجایی جا انداخته‌ای؟
مفاصل مثل کتف، میچ دست، میچ پا، آرنج.

معمولاً چه نوع صدماتی را درمان می‌کنی؟
فقط دررفتگی.

چند روز باید روی محل بسته باشد؟
۱۰ تا ۱۲ روز.

مدت زمان بستن محل صدمه در کودکان و بزرگ‌ترها فرق می‌کند؟
بله بچه زودتر خوب می‌شود.

آیا غیر شکسته‌بندی مهارت دیگری هم داری؟
قابله گری، درمان سوختگی.

بهترین خاطره شما در این کار چیست؟
مریضی بعد از ۳ بار مراجعه به اورتوید زانویش خوب نشده بود آمد نزد من و درمانش کردم.

شهرستان میبد، تیر ماه ۱۳۸۹



نام شما؟

خدابخش مندگاری.

ساکن کجا هستی؟

روستای حسن آباد از توابع شهرستان میبد.

بیشتر در محل به چه نامی شما را می شناسند؟

بانو، بانوی زردشتی، بانوی جانداز.

میزان تحصیلات

بی سواد.

چند سال داری؟

۷۷.

از چه سالی شروع کردی؟

۵۰ سال پیش.

نزد چه کسانی یاد گرفتی؟

خواب خدا مراد دیدم که به من گفت شست پای من در رفته بیا جانداز.

خدا مراد که بود؟

خدا مراد یک شکسته بند ماهر زردشتی بود که هنوز کسی مثل او نیامده و چند سال است که فوت کرده.

اولین باری که به تنهایی کار کردی؟

۲۷ سالگی.

آیا هنوز هم دررفتگی و شکسته‌بندی درمان می‌کنی؟
بله.

از نتیجه کار خودت راضی هستی؟
بله.

از چه وسایلی استفاده می‌کنی؟
روغن ریلکس، عرق (شراب)، پنبه، مقوا، باند و قبلاً از میخ آزار استفاده می‌کردم.

وسایل را چگونه تهیه می‌کنی؟
از بازار تهیه می‌کنم یا خودم درست می‌کنم.

بعد از کار محل را می‌بندی؟
بله.

با چه چیزی می‌بندید؟
با پارچه‌ای که ضما روی آن است.

ضما را خودت تهیه می‌کنی؟
بله.

لازم است فرد غذای به خصوصی بخورد؟
نه.

شما به آنها توصیه می‌کنی؟
بله افرادی که شکستگی یا دررفتگی پا دارند هر وقت خواستند بلند شوند خودشان بلند شوند و دیگران آنها را بلند نکنند که اگر دردی داشتند متوجه شوند.

مهم‌ترین کار شکسته‌بند چیست؟
شناخت مفاصل.

مهم‌ترین وظیفه شکسته‌بند در حین کار چیست؟
ثابت نگه داشتن استخوان.

کار را به دیگری یاد داده‌ای؟
نه.

برای کار خودت پولی می‌گیری؟
بله.

خودت مبلغ را تعیین می‌کنی؟
نه هر چه می‌دهند می‌گیرم.

برای چه منظور این کار می‌کنی؟
برای راه انداختن کار مردم.

تا کنون کجاها را جا انداخته‌ای؟
کتف، سینه، لگن، مچ دست و پا، نی دست و پا و تاندون.

معمولاً چه نوع صدماتی را درمان می‌کنی؟
شکستگی و دررفتگی.

آیا غیر شکسته‌بندی مهارت دیگری هم داری؟
قابله‌گری کرده‌ام و کشاورز هم هستم و در سال ۱۳۸۰ کشاورز نمونه استانی شدم.

چند روز باید روی محل بسته باشد؟
۱۰ تا ۲۰ روز.

مدت زمان بستن محل صدمه در کودکان و بزرگ‌ترها فرق می‌کند؟
بله بچه زودتر خوب می‌شود.

خاطره‌ای در این کار داری؟

چند سال پیش شخصی بر اثر شکستگی استخوان سینه در بیمارستان بستری می‌شود بعد از چند روز به دلیل زخم محل شکستگی، او را مرخص می‌کنند تا پس از بهبودی زخم، برگردد. یکی از اقوامش به دنبال من آمد و گفت مریضی داریم که استخوان سینه‌اش شکسته و پزشک گفته استخوان دنده‌هایش شکسته و در ریه اش فرو رفته رفته رفته و استخوانش را جا انداختم و شخص همان لحظه بلند شد و مشغول خوردن چای شد. بعداً فردی که دنبال من آمده بود به من گفت مرتب خدا خدا می‌کردم که اتفاق ناگواری برای مریضم نیافتد و مرا مقصر کنند که شما را به نزد او برده‌ام.

شهرستان اردکان: دی ماه ۱۳۸۹



نام شکسته‌بند؟
مرحوم رجب اسلامی.

نام مستعار
رجب قصاب، رجب عصابند.

میزان تحصیلات
بی‌سواد.

نام راوی
همسرش.

چند سال داشت؟
۵۲.

از چه سالی شکسته‌بندی را شروع کرد؟
۲۰ سالگی.

چند سال پیش فوت کرد؟
۳۵ سال پیش.

چگونه یاد گرفته بود؟
دیدن اسکلت اموات در محل دخمه زردشتیان.

اولین باری که به تنهایی کار کرده است؟
۲۰ سالگی.

از نتیجه کارش راضی بود؟
بله.

از چه وسایلی استفاده می کرد؟
زرده و سفیده تخم مرغ، میخ آزار، آرد و پارچه نخی آبندیده و مقوا

وسایل را چگونه تهیه می کردید؟
خودمان تهیه می کردیم.

آیا بعد از کار، محل را می بست؟
بله.

با چه چیزی می بستید؟
تله (پارچه آغشته به ضماد تهیه شده).

ضماد را خودتان تهیه می کردید؟
بله.

لازم بود فرد غذای به خصوصی بخورد؟
خیر.

آیا به آنها توصیه ای می کردید؟
خیر.

مهم ترین کار شکسته بند چیست؟
ماساژ محل دررفتگی با آب گرم.

مهم ترین وظیفه شکسته بند در حین کار چیست؟
ثابت نگه داشتن محل.

کار را به دیگری یاد داد؟
خیر.

شما هم از او یاد نگرفتید؟
من شکستگی و دررفتگی را تشخیص می دادم ولی جرأت جا انداختن آن را نداشتم.



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

برای کارش پولی می‌گرفت؟
خیر.

برای چه منظور این کار می‌کرد؟
برای رضای خداوند.

بیشتر کجاها را جا انداخته بود؟
مفاصل مثل کتف، مچ دست، مچ پا، آرنج و نی دست و پا.

معمولاً چه نوع صدماتی را درمان می‌کرد؟
شکستگی و دررفتگی.

چند روز باید روی محل بسته باشد؟
۲۰ تا ۳۰ روز.

مدت زمان بستن محل صدمه در کودکان و بزرگترها فرق می‌کند؟
بچه زودتر خوب می‌شود.

خاطره‌ای دارید؟

یک شب از کوه برگشته بودیم یک نفر در منزل ما نشسته بود گفت دست بچهام در رفته جا می‌اندازی بنده خدا گفت من که دکتر نیستم و جواز هم ندارم به او گفتم اگر ممکن است کارش را راه بیانداز گفت باز هم برود صبح بیاید. صبح آمد و مشککش حل شد.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شهرستان اردکان: دی ماه ۱۳۸۹



نام شکسته‌بند؟
مرحوم حاجی ابراهیم کمالی.

نام مستعار
حاجی ابراهیم عصابند.

میزان تحصیلات
بی‌سواد.

نام راوی
دامادش جواد پیری.

چند سال داشت؟
۸۱

از چه سالی شکسته‌بندی را شروع کرد؟
حدود ۲۰ سالگی.

چند سال پیش فوت کرد؟
۵ سال پیش.

چگونه یاد گرفته بود؟
از پدرش یاد گرفته.

اولین باری که به تنهایی کار کرده است؟
۲۰ سالگی.

از نتیجه کارش راضی بود؟
بله.

از چه وسایلی استفاده می کرد؟
زرده تخم مرغ، میخ آزار و اگر میخ آزار نبود آرد گندم و پارچه نخی آبندیده و مقوا.

وسایل را چگونه تهیه می کرد؟
خودش تهیه می کرد.

بعد از کار، محل را می بست؟
بله.

با چه چیزی می بست؟
پارچه آغشته به ضماد تهیه شده.

ضماد را خودش تهیه می کرد؟
بله.

لازم بود فرد غذای به خصوصی بخورد؟
خیر.

به آنها توصیه ای می کرد؟
خیر

مهم ترین کار شکسته بند چیست؟
ماساژ محل در رفتگی با آب گرم.

مهم ترین وظیفه شکسته بند در حین کار چیست؟
ثابت نگه داشتن محل.

در بستن محل صدمه دیدن از چوب یا چیزی دیگر استفاده می کرد؟
خیر.

کار را به دیگری یاد داد؟
خیر.

شما هم از او یاد نگرفتی؟
خیر.

برای کارش پولی می گرفت؟
خیر.

برای چه منظور این کار می کرد؟
برای رضای خداوند.

بیشتر کجاها را جا انداخته بود؟
مفاصل مثل کتف، مچ دست، مچ پا، آرنج و نی دست و پا.

معمولاً چه نوع صدماتی را درمان می کرد؟
شکستگی و دررفتگی.

چند روز باید روی محل بسته باشد؟
۲۰ تا ۳۰ روز.

مدت زمان بستن محل صدمه در کودکان و بزرگ‌ترها فرق می کند؟
بچه زودتر خوب می شود.

خاطره‌ای از ایشان دارید؟

یک بچه ۸ ساله بر اثر سقوط، یکی از پاهایش بی حس شده بود والدینش او را نزد یک پزشک می‌برند و پزشک، به آنها می‌گوید بچه شما فلج است. پس از چندی، از قضا مادر این بچه به دلیل سرماخوردگی، به نزد دکتر حائریان که از پزشکان قدیمی شهر است می‌رود و بچه معلولش هم به همراهش بوده است. دکتر پس از ویزیت مریض، به او می‌گوید بچه‌ات چه مشکلی دارد؟ می‌گوید زمین خورده و فلج شده، دکتر او را معاینه می‌کند و می‌گوید: این بچه لگنش در رفته برو نزد فلانی جا بیاندازد. من منزل پدر خانمم بودم که لگن این بچه را جا انداخت و بچه هم خوب شد.

خاطره دیگر اینکه یک دفعه یک بنده خدا استخوان پایش شکسته بود او را به همراه مصدوم، به یکی از بیمارستان‌های یزد بردند. حاجی ابراهیم در حضور پزشک، شکستگی مصدوم را جا انداخت و بعد به پزشک گفت حالا شما گچ بگیرید. پزشک خیلی خوشش آمد و به او گفت می‌خواهی استخدام بیمارستان کنم و او گفت خیر من برای پول کاری نمی‌کنم.

شهرستان میبد: مرداد ماه ۱۳۸۹



نام شکسته‌بند؟

مرحوم حاجی محمدعلی غفوری.

نام مستعار

حاجی محمدعلی شکسته‌بند.

میزان تحصیلات

بی‌سواد.

نام راوی

فرزندش حاجی عباسعلی غفوری.

چند سال داشت؟

۷۵.

از چه سالی شکسته‌بندی را شروع کرد؟
۲۰ سالگی.

چند سال پیش فوت کرد؟

۸ سال پیش.

چگونه یاد گرفته بود؟

از پدرش حسین و او از پدرش علی محمد.

اولین باری که به تنهایی کار کرده است؟

۲۵ سالگی.

از نتیجه کارش راضی بود؟
بله.

از چه وسایلی استفاده می کرد؟
زرده تخم مرغ محلی، میخ آزار، نی و پارچه نخی آب ندیده.

وسایل را چگونه تهیه می کردید؟
از عطاری.

بعد از کار محل را می بست؟
بله.

با چه چیزی می بستید؟
زفت یا تله (پارچه آغشته به ضماد تهیه شده).

ضماد را خودتان تهیه می کردید؟
بله.

لازم بود فرد غذای به خصوصی بخورد؟
بله غذای مقوی بخورد و از غذاهای با طبع سرد پرهیز کند.

به آنها توصیه ای می کرد؟
به فرد توصیه می کرد بعد از بهبودی و برداشتن تله، روغن گوسفند و آب زیر گوشت کباب شده روی محل بمالد.

مهم ترین کار شکسته بند چیست؟
توکل به خدا و بعد آگاهی از وضعیت استخوان بندی.

مهم ترین وظیفه شکسته بند در حین کار چیست؟
ثابت نگه داشتن محل.

آیا کار را به دیگری یاد داد؟
بله من هم از او یاد گرفتم و همیشه به ما توصیه می کرد بیایید یاد بگیرید.

برای کارش پولی می‌گرفت؟

خیر.

برای چه منظور این کار می‌کرد؟

برای رضای خداوند.

بیشتر کجاها را جابجا انداخته بود؟

مفاصل مثل کتف، لگن، مچ دست، مچ پا، آرنج و نی دست و پا.

معمولاً چه نوع صدماتی را درمان می‌کرد؟

شکستگی و دررفتگی.

چند روز باید روی محل بسته باشد؟

بسته به نوع صدمه و محل آن از ۷ روز تا ۲۰ روز.

مدت زمان بستن محل صدمه در کودکان و بزرگ‌ترها فرق می‌کند؟

بچه زودتر خوب می‌شود.

خاطره‌ای از ایشان دارید؟

بدون نام خدا دست به هیچ کاری نمی‌زد و حتی بعضی از شکستگی‌ها یا دررفتگی‌ها که شدید بود ما او را از جابجا انداختن منع می‌کردیم اما او در جواب ما می‌گفت من فقط وسیله هستم توکل من به خدا است و مشکلی ندارد. نکته دیگر اینکه به مریض می‌گفت ۳ روز دیگر، ۷ روز دیگر یا ۲۰ روز دیگر تله از دستت جدا می‌شود و همین‌طور هم می‌شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شهرستان مهریز: بهمن ماه ۱۳۸۹



نام شما؟

محمدعلی ابویی معروف به جعفری.

ساکن کجا هستی؟

شهرستان مهریز.

بیشتر در محل به چه نامی شما را می‌شناسند؟

حاجی محمدعلی جانداز.

میزان تحصیلات

خواندن و نوشتن.

چند سال داری؟

۷۰.

از چه سالی شروع کردی؟

۵۰ سال پیش.

نزد چه کسانی یاد گرفتی؟

یک پزشک در تهران.

اولین باری که به تنهایی کار کردی؟

۲۵ سالگی.

آیا هنوز هم در رفتگی و شکسته‌بندی درمان می‌کنی؟
بله، اما بیشتر در رفتگی.

از نتیجه کار خودت راضی هستی؟
بله.

از چه وسایلی استفاده می‌کنی؟
میخ آزار، زرده تخم‌مرغ بومی، روغن قلم شتر و پارچه آب ندیده.

وسایل را چگونه تهیه می‌کنی؟
از بازار تهیه می‌کنم یا خود درست می‌کنم.

بعد از کار محل را می‌بندی؟
بله.

با چه چیزی می‌بندید؟
با پارچه‌ای که ضمد روی آن است.

ضمد را خودت تهیه می‌کنی؟
بله.

لازم است فرد غذای به خصوصی بخورد؟
نه.

مهم‌ترین کار شکسته‌بند چیست؟
ماساژ محل در رفتگی با آب داغ و نمک.

مهم‌ترین وظیفه شکسته‌بند در حین کار چیست؟
ثابت نگه داشتن استخوان.

کار را به دیگری یاد داده‌ای؟
نه.

برای کار خودت پولی می‌گیری؟
بله.

خودت مبلغ را تعیین می‌کنی؟
نه هرچه می‌دهند می‌گیرم.

برای چه منظور این کار می‌کنی؟
برای راه انداختن کار مردم.

تا کنون کجاها را جانداخته‌ای؟
کتف، لگن، مچ دست و پا، نی دست و پا.

معمولاً چه نوع صدماتی را درمان می‌کنی؟
شکستگی و دررفتگی.

غیر از شکسته‌بندی مهارت دیگری هم داری؟
چاوش‌خوانی و ذاکری هم می‌کنم.

چند روز باید روی محل بسته باشد؟
حدود ۱۵ روز.

مدت زمان بستن محل صدمه در کودکان و بزرگ‌ترها فرق می‌کند؟
بله بچه زودتر خوب می‌شود.

خاطره‌ای در این کار داری؟

یک شب در مراسم روضه‌خوانی بودم که یک نفر آمد مسجد و گفت با شما کار دارند وقتی رفتم دیدم یک مریض که بر اثر ضربه، دچار کمر درد شدید شده بود را با یک مکفاتی به در منزل من آورده بودند. بلافاصله آب را داغ کردم و مشتی نمک داخل آن ریختم و او را به پشت خوابانده و با حوله آغشته به آب نمک گرم، مرتب کمرش را ماساژ دادم تا اینکه خوب شد.

شهرستان میبد: بهمن ماه ۱۳۸۹



نام شما؟

محمد رضا امامی.

ساکن کجا هستی؟

روستای اشنیز بالا از توابع شهرستان میبد.

بیشتر در محل به چه نامی شما را می‌شناسند؟

محمد رضا جانداز.

میزان تحصیلات

بی‌سواد.

چند سال داری؟

۷۳ سال.

از چه سالی شروع کردی؟

۴۸ سال پیش.

نزد چه کسانی یاد گرفتی؟

از خواهرم کبیره امامی ساکن مرور و او نیز از پدرم یاد گرفته بوده.

چرا خودت مستقیم از پدرت یاد نگرفتی؟

من هنوز دنیا نیامده بودم که پدرم فوت کرده.

اولین باری که به تنهایی کار کردی؟

یادم نیست.

آیا هنوز هم دررفتگی یا شکسته‌بندی را درمان می‌کنی؟
خیلی کم آن هم اگر دررفتگی باشد.

از نتیجه کار خودت راضی هستی؟
بله.

از چه وسایلی استفاده می‌کنی؟
زرده تخم‌مرغ، آرد، زردچوبه و پوست درخت بادام و پارچه.

وسایل را چگونه تهیه می‌کنی؟
خودمان تهیه می‌کردیم.

آیا بعد از کار، محل را می‌بندی؟
بله.

با چه چیزی می‌بندید؟
با پارچه‌ای که ضمام روی آن است.

ضمام را خودت تهیه می‌کنی؟
بله.

لازم است فرد غذای به خصوصی بخورد؟
اگر غذای مقوی و گوشت بخورد بهتر است.

شما به آنها توصیه‌ای می‌کنید؟
بعد از اینکه ضمام از محل دررفتگی جدا شد محل حادثه دیده را با روغن گوسفند ماساژ دهند.

مهم‌ترین کار شکسته‌بند چیست؟
ماساژ محل دررفتگی با آب داغ.

مهم‌ترین وظیفه شکسته‌بند در حین کار چیست؟
ثابت نگه داشتن استخوان.

کار را به دیگری یاد داده‌ای؟
نه.

برای کار خودت پولی می‌گیری؟
بله.

خودت مبلغ را تعیین می‌کنی؟
نه هر چه می‌دهند می‌گیرم.

برای چه منظور این کار می‌کنی؟
برای راه انداختن کار مردم.

تا کنون کجاها را جا انداخته‌ای؟
مج دست و پا.

معمولاً چه نوع صدماتی را درمان می‌کنی؟
فقط دررفتگی.

شکستگی دست و پای گوسفند هم درمان کرده‌ای؟
خیلی زیاد.

غیر شکسته‌بندی مهارت دیگری هم داری؟
خیر.

چند روز باید روی محل بسته باشید؟
۲۰ تا ۲۵ روز

مدت زمان بستن محل صدمه در کودکان و بزرگ‌ترها فرق می‌کند؟
بله بچه زودتر خوب می‌شود.

خاطره‌ای داری؟
یادم نمی‌آید.

شهرستان اردکان: دی ماه ۱۳۸۹



نام شکسته‌بند؟

سید احمد کلاچه‌ای (کذابچه ای).

نام مستعار

سید احمد عصابند.

محل سکونت؟

روستای کذابچه از توابع عقدا از شهرستان اردکان.

میزان تحصیلات

بی‌سواد.

نام راوی

نوه‌اش رضا عابدینی ۶۵ ساله.

چند سال داشت؟

۹۰ سال.

از چه سالی شکسته‌بندی را شروع کرد؟

از ۲۵ سالگی.

چند سال پیش فوت کرد؟

۱۰ سال پیش.

چگونه یاد گرفته بود؟

از دیدن اسکلت دست مرده در قبرستان.

اولین باری که به تنهایی کار کرده است؟
از همان ۲۵ سالگی.

از نتیجه کارش راضی بود؟
بله.

از چه وسایلی استفاده می کرد؟
تخته و سفیده تخم مرغ و آرد گندم و کرباس آب ندیده.

وسایل را چگونه تهیه می کرد؟
خودش تهیه می کرد.

آیا بعد از کار، محل را می بست؟
بله.

با چه چیزی می بست؟
تله (پارچه آغشته به ضماد تهیه شده).

ضماد را خودش تهیه می کرد؟
بله.

لازم بود فرد غذای به خصوصی بخورد؟
خیر.

آیا به آنها توصیه ای می کردد؟
خیر.

مهم ترین کار شکسته بند چیست؟
ماساژ محل دررفتگی با آب گرم بخصوص برای شکستگی ها و دررفتگی هایی که مدتی از آن می گذشت.

مهم ترین وظیفه شکسته بند در حین کار چیست؟
ثابت نگه داشتن محل.

آیا کار را به دیگری یاد داد؟
خیر.

شما هم از او یاد نگرفتی؟
من شکستگی و دررفتگی را تشخیص می‌دادم ولی جرأت جا انداختن آن را نداشتم.

برای کارش پولی می‌گرفت؟
بله.

خودش مبلغ را تعیین می‌کرد؟
نه هر چه به او می‌دادند می‌گرفت.

بیشتر برای چه منظور این کار می‌کرد؟
برای راه انداختن کار مردم.

بیشتر کجاها را جا انداخته بود؟
ران پا، ساعد، لگن، مچ دست و پا.

معمولاً چه نوع صدماتی را درمان می‌کرد؟
شکستگی و دررفتگی.

شکستگی‌هایی که استخوان‌ها از همدیگر جدا شده بود را هم درمان می‌کرد؟
بله.

چند روز باید روی محل بسته باشد؟

تا زمانی که ضماد یا تله از محل پوست جدا شود (حداکثر ۲۰ روز).

مدت زمان بستن محل صدمه در کودکان و بزرگ‌ترها فرق می‌کند؟
بچه زودتر خوب می‌شود.

خاطره‌ای از ایشان به یاد دارید؟

یک خانمی از درخت سقوط کرده و دچار دررفتگی لگن شده بود وقتی برای درمان دررفتگی، او را نزد سید احمد آوردند او الاغی را آورد و خوراکی سیر شامل علف خشک و کاه به او داد بدون اینکه به الاغ آب بدهد. بعد دختر خانم مصدوم را به مدت یک ساعت صیغه کرد تا مصدوم، بر او محرم شود. مصدوم را سوار بر الاغ کرد و پاهای بیمار را به زیر شکم الاغ بست. الاغ را بر سر جوی آبی برد. همین‌طور که الاغ، آب می‌خورد و شکمش بالا می‌آمد استخوان لگن بیمار هم به جای خود رفت و خوب شد. خاطره دیگر اینکه: یک دفعه پسری حدوداً ۱۷ ساله دیوار بر سرش خراب شده بود و هر دو ران پایش

شکسته بود. چون فاصله این فرد تا محل سکونت سید احمد، حدود دو فرسنگ (۱۲ کیلومتر) بود پدرش او را در تابوت گذاشته و با الاغ، سراغ سید احمد آمد. سید احمد فرد را خواباند و استخوانهای شکسته‌اش را جا انداخت و پاهایش را جفت کرد تا نسبت به همدیگر، کوتاه یا بلند نباشند. بعد هر دو پای مصدوم را با تخته، آتل‌بندی کرد. هنوز بعد سال‌ها این بنده خدا که الان مثل من پیرمردی شده است زنده است و با همین پاهایش کشاورزی می‌کند.













پیام بهارستان / د ۲، ۳، ویژه‌نامه طب سنتی / پاییز ۱۳۹۰





پیام بهارستان / د ۲، س ۳، ویژه‌نامه طب سنتی / پاییز ۱۳۹۰





پیام بهارستان / د ۲، ۳، ویژه نامه طب سنتی / پاییز ۱۳۹۰



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی